دریچه

خداحافظی چریک پیر با سوسیالیسم کوبایی

سمیرا فرخ‌منش: صحنه برافراشته‌شدن دوباره پرچم آمریکا در کوبا توسط سه تفنگ‌داری که نیم‌قرن پیش همان پرچم را پایین آورده بودند، تصویر قابل تأملی بود. صحنه‌ای که پیامدهای سیاسی متعدد در خود داشت و هر گروه از تحلیلگران معنای نهفته در این اتفاق را به شکلی تعبیر کردند.

دسته‌ای که هنوز دل در گرو ایده‌های جنبش ۲۶ جولای دارند، آمریکا را افاکزننده این آشتی تاریخ‌ساز قلمداد می‌کنند و بر این باورند که همسایه امپریالیست که هنوز در دسته «استعمارگران» جهانی قرار دارد، دریافته که سیاست امپریالیستی جواب نمی‌دهد و تحریم‌های سخت ۸۵ صفحه‌ای علیه کوبا نتوانست از پایندی مردمان سرزمین تنباکو، به تفکرات کمونیستی‌شان بکاهد. این دسته اعتقاد راسخ به سرانجام خوشایند سرسختی ۵۰ ساله خود دارند و پس از برقراری رابطه با آمریکا در رسانه‌های خود این آشتی را حاصل «یافشاری بر مواضع» می‌دانند. اما با همه این احوالات باسخی برای این پرسش ندارند که اگر آمریکا هنوز یک استعمارگر سابقه‌دار است و براثر آن باید از انقلاب ضدسرمایه‌داری کوبایی حمایت کرد، ارتباط آشتی‌جویانه دوباره با آن چه توجیهی دارد؟

اما گروهی نیز روی دیگر سکه را عامل این تغییر جهت می‌دانند و در این میان تحولاتی منفی را که دامن اقتصاد و اجتماع کوبا را گرفته، بهانه اصلی این رابطه جدید تعریف می‌کنند. به باور این گروه از تحلیلگران، تحریم‌های آمریکایی علیه این کشور سرانجام قابل انتظاری را موجب شد و هاوانا را تا مرز فروپاشی اقتصادی جلو برد. استاد این تحلیلگران گفته شده مقامات کوبایی است که تأثیر تحریم‌ها را تاکنون بیش از ۱۱۷ میلیارد دلار خسارت بر بدنه اقتصاد کوبا محاسبه کرده‌اند. براساس این باور کرچه واشنگتن در این سال‌ها نتوانست دولت کوبا را تغییر دهد، اما دولت وقت دریافت که حتی با وجود ارتباط با شرق، باید شاهد بحران جدی در تولیدات صنعتی و کشاورزی و سقوط تولید ناخالص ملی از ۱۹.۳ میلیارد دلار به ۱۰ میلیارد دلار باشد. بحران‌هایی که اندک‌اندک در حوزه‌های اجتماعی کشور هم نفوذ کرد. پس چاره‌ای نبود که حتی در ایام فهر سیاسی، فیدل کاسترو در حداقل اقدام ممکن، دلار آمریکا را قانونی اعلام کند تا میزان صادرات شکر که تنها محصول اصیدبخش آن سرزمین بود، کاهش نیابد. در این میان دسته‌ای نیز با اتکا بر همین رویکرد اقتصادی آسیب‌رسان، کنش‌های شوروی سابق را علت اصلی شکست اقتصادی کوبا می‌دانند. چراکه پس از تحریم، تمام چشم امید کوبا به یار دیپلماتیکش در جامعه بین‌المللی، یعنی شوروی بود. قرار بر این شد که در شرایط ناگوار انزوای بین‌المللی، شکر کوبا به شوروی صادر شود تا به این شکل هم بحران اقتصادی از این کشور دور شود و هم رفاقت با رقیب همیشگی آمریکا در جهان، ضدحمله‌ای سیاسی برای این همسایه قلمداد شود. این واسنگی به جایی رسید که حجمی نزدیک به ۸۵ درصد از کل معاملات بازرگانی کوبا با اتحاد جماهیر شوروی بود و همین تصمیم نیمی از درآمد ملی کوبا را شامل می‌شد. اما پس از فروپاشی، این رابطه صمیمانه درهم شکست و آشفتگی‌های داخلی و بحران‌های خارجی، روسیه جدید را دچار چرخش در سیاست‌های خارجی خود کرد. به همین دلیل عده‌ای بر این باورند که تنها کناشتن کوبا از سوی روسیه می‌تواند یکی از اصلی‌ترین دلایل برای پذیرش

دوباره آمریکا باشد. به نظر تحلیلگران، این ارزیابی‌ها جدا از محاسبات اقتصادی، به روشنی پیام‌آور شکست اندیشه کاسترو بود؛ اندیشه‌ای که نماد سوسیالیسم کوبایی را نیم‌قرن در خود پرورانده و پایرجا نگه داشت. اما این پارچایی سرانجام خوشایندی نداشت و فیدلیسم حاصل از انقلاب چریکی، با این واقعیت ناخوشایند مواجه شد که ادامه مسیر دیگر امکان‌پذیر نیست و آنچه رفقای کوبایی در رویای رسیدن و ادامه آن بودند با حقایق دنیای امروز در تناقض است. بنابراین با پذیرش شکست، اینکه این انقلاب دیگر به نیت مبارزه با استعمار آمریکا ادامه حیات می‌دهد، رنگ باخته است. گواه این ادعا، همچنین می‌تواند نسل جدید جوانانی در کوبا باشد که هیچ خاطره روشن و تصویر واضحی از مبارزات پارتیزانی و چگوارا، هیجان انقلاب و شور سخنرانی‌های ۱۰ ساعته رفیق فیدل ندارند. فیدلی که در وضعیت‌نامه سیاسی خود نوشته: «انقلاب کوبا حاصل قهرمانی‌های یک خلق تسلیم‌ناپذیر است که هیچ نیروی قادر نخواهد بود مقاومت آنها را درهم بشکند؛ چون در کوبا سوسیالیسم و از همه بیشتر سوسیالیسم، ماندگار خواهد بود». اما پس از شنیده‌شدن خبر آشتی آمریکا و کوبا، جوانانی که به خیابان‌های هاوانا آمده بودند، با شادی می‌گفتند این آشتی حق دو کشور است که تنها ۹۰ میل از هم فاصله دارند! جدا از همه تحلیل‌ها، واقعیت اینجاست خود فیدل کاسترو که این روزها در آستانه ۹۰ سالگی به سر می‌برد، نیز اعتراف به این امر دارد که «خرط رسیدن» سوسیالیسم کوبایی کرده. اما این‌بار برای ادامه مسیر، این چریک پیر نقش پیرنگی در سیاست‌گذاری‌ها ندارد. کرچه بخشی از محافظه‌کاران کوبایی همچنان بر این باورند که رابطه با آمریکا اصلی می‌دانند، اما عرصه سیاست و اقتصاد کوبا جیز دیگری را نشان می‌دهد؛ مدل‌هایی که رائول کاسترو برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کوبا در نظر گرفته، به‌روشنی نشان‌دهنده تفاوت میان رویکرد دو برادر است. علاقه به مدل چینی، نگاه پراگماتیستی به دور از شعارهای هیجانی، تمایل به خصوصی‌سازی، ترس از فروپاشی کوبا و کرایش به رابطه با قدرت‌هایی که بردارش آنها را استعمارگر می‌نامید، همه نشان از واقع‌بینی برادر چریک پیر دارد. کرچه بیان افشاگری‌های نزدیکان فیدل کاسترو، باوجود قلم جردی مرحوم کوبا در سال‌های ستحت تحریم، وی دارای جزیره‌ای خصوصی بود که برای استراحت به آنجا می‌رفت و در رستوران شناور آن در کنار دلفین‌های دست‌آموزش تفریح می‌کرد، اما در سال‌های رهبری وی، همسکان آکاه به این حقایق نبودند و رفیق فیدل ۵۰ سال برای اکثریت مردم کوبا دارای کاریزمایی مثال‌زدنی بود. اما هرچه که بود، براقراشته‌شدن دوباره پرچم آمریکا نشان داد باوجود این شخصیت کاریزماهمجو که ۶۳۸ بار به جانش سوءقصد شده بود، سه تفکدار آمریکایی پس از ۵۴ سال بازگشته بودند تا تاریخ را به عقب بازگردانند. کرچه زمان هیچ‌کاه به پشت‌سر نکاه نمی‌کند، اما رخدادهای منفی و منیت سیاسی تاریخ کشورها می‌تردید قابل تکرار است و این اتفاق مبانی دو دولت آمریکای شمالی و لاتین یکسی از پرمعناترین تکرارهای تاریخ سیاسی معاصر است.

نوژن اعتضادالسلطنه: تحریم‌ها «رائول کاسترو، رئیس‌جمهوری کوبا، را وادار به نشستن پای میز کفت‌وگو نکرد؛ بلکه او به‌دلیل کهولت سن و مسئله جانشینی، نیازمند ارائه چهره‌ای «مدرن» تر و «میانه‌رو» تر از رژیم کمونیستی حاکم بر کوبا به جامعه بین‌المللی است. همچنین سیاست تعامل با کوبا به بهانه بهبود وضعیت حقوق بشر در آن کشور نیز رویکردی شکست‌خورده است؛ چراکه در طول بیش از دو دهه گذشته از سوی اروپایی‌ها و کانادایی‌ها دنبال شده و به سرانجام مطلوبی نرسیده است. این بخشی از نظرات «سباستین اِی. آر. آرکوز»، معاون رئیس انستیتو مطالعات کوبا در دانشگاه بین‌المللی «فلوریدا» است که در گفت‌وگو با «شرق» درباره چشم‌انداز وضعیت رابطه آمریکا و کوبا در سال‌های آینده و تحولات داخلی هاوانا مطرح کرد.

■ درباره تحریم‌های وضع‌شده علیه کوبا و لغو آنها چه اختلاف‌نظری میان جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها وجود دارد؟

فراتر از اختلاف میان دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان، مسئله کوبا اختلاف‌نظر میان آنانی است که معتقدند تعامل با دولت کوبا سیاست بهتری است و می‌تواند به کدار دموکراتیک در آن کشور بینجامد و آنانی که باور دارند افزایش فشار بر دولت کوبا می‌تواند نتایج بهتری را به‌همراه آورد. جای تردید نیست که اکثر دموکرات‌ها به گزینه نخست اعتقاد دارند و اکثر جمهوری‌خواهان به گزینه دوم. بااین‌حال، آنچه درحال‌حاضر در کنکره آمریکا از محبوبیت بیشتری برخوردار است، اعمال فشار بیشتر بر دولت کوبا و ادامه سیاست به‌انزواکشاندن آن کشور است. این موضوع حتی زمانی که کنکره در کنترل دموکرات‌ها قرار داشت نیز صادق بود.

اگر نامزدی دموکرات به ریاست‌جمهوری برسد، سیاست عادی‌سازی روابط با کوبا که از سوی اوباما آغاز شده، بدون هیچ‌گونه تغییری ادامه خواهد یافت و درصورتی‌که یک نامزد جمهوری‌خواه، رئیس‌جمهور بعدی ایالات متحده باشد، روند بهبود رابطه با کوبا با سرعت کمتری ادامه می‌یابد. بااین‌حال، در آن صورت هم روندی روبه‌جلو پیموده خواهد شد.

■ تلاش برای پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات تا چه اندازه برای «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری آمریکا، انگیزه بوده است؟

روابط کوبا و آمریکا ارتباط بسیار اندکی با سیاست‌های انتخاباتی و ملی ایالات متحده آمریکا دارد. اکثر شهروندان آمریکایی توجهی به مسائل کوبا ندارند و قطعاً نمی‌دانند چه تحولاتی در حال روی‌دادن است. در نتیجه، در چنین شرایطی برقراری روابط دیپلماتیک هاوانا- واشنگتن تاثیر چندانی بر انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، که موضوعی داخلی است، نخواهد داشت. اگر نامزدی دموکرات به ریاست‌جمهوری برسد، سیاست عادی‌سازی روابط با کوبا که از سوی اوباما آغاز شده، بدون هیچ‌گونه تغییری ادامه خواهد یافت و درصورتی‌که یک نامزد جمهوری‌خواه، رئیس‌جمهور بعدی ایالات متحده باشد، روند بهبود رابطه با کوبا با سرعت کمتری ادامه می‌یابد. بااین‌حال، در آن صورت هم روندی روبه‌جلو پیموده خواهد شد.

■ لغو تحریم‌ها چوا کچونه خواهد بود و چه تاثیری بر اقتصاد هاوانا دارد؟

لغو تحریم‌ها بسر اقتصاد کوبا تاثیر مثبتی خواهد کذاشت. بااین‌حال بیشتر نخبکان حاکم، از این موضوع بهره‌مند خواهند شد؛ چراکه آنان بیش از ۹۰ درصد اقتصاد کوبا را در کنترل خود دارند. دراین‌میان ممکن است برخی از مزایا نیز به شهروندان عادی کوبایی اختصاص داده شود؛ بااین‌حال نباید منتظر بروز رشد اقتصادی ناکهانی و شکفت‌انکیز در کوبا باشیم؛ چراکه محدودیت‌هایی در اقتصاد کوبا وجود دارد که از سوی رژیم ایدئولوژیک و نابردبار حاکم بر آن کشور وضع شده است؛ رژیمی که به‌هیچ‌عنوان به آزادی‌های فردی باور ندارد. در نتیجه، باید توجه داشت که مشکل اساسی کوبا، نه اقتصادی، بلکه سیاسی است.

■ آیا برقراری روابط دیپلماتیک کوبا و آمریکا بر وضعیت حقوق بشر در کوبا تاثیر می‌کذارد؟

پرزیدنت اوباما تاکید کرده سیاست جدیدش سبب خواهد شد تا آمریکا بتواند بهتر از کذشته برای بهبود وضعیت حقوق بشر در کوبا اعمال فشار کند. من جدا دراین‌باره تردید دارم. سیاست جدید اوباما درباره تعامل با کوبا بیش‌تر از سوی اروپایی‌ها و کانادایی‌ها در طول ۲۵ سال کذشته آزموده شده و هیچ موفقیتی به‌دنبال نداشته است. رژیم کوبا هیچ‌کونه تغییری را اعمال نخواهد کرد، مکر آنکه رهبران تازه‌ای در آن کشور به قدرت برسند.

■ چرا دولت کوبا در برهه زمانی کنونی این تصمیم را کفت؟ آیا به نظرتان اتخاذ تصمیم برای برقراری دوباره روابط دیپلماتیک میان کوبا و آمریکا در دوران زندبودن فیدل کاسترو عجیب نبود؟

فیدل کاسترو از تقابل با آمریکا برای بهره‌برداری از ناسیونالیسم (ملی‌کرایی) کوبایی در داخل و تحکیم پایه‌های قدرت خود استفاده کرده است. رائول کاسترو موضعی متفاوت دارد؛ چراکه درک کرده است از نظر سنی بسیار کهنسال است و بیشتر تمایل دارد تا قدرت را به وارثان سیاسی‌اش، از جمله فرزندان خود واکذار کنند. برای این منظور او نیازمند آن است تا چهره‌ای جدید و متفاوت و «میانه‌رو»تر و «مدرن»تر از رژیم تحت رهبری‌اش ارائه دهد. همین موضوع سبب شده تا وی به اصلاحات اقتصادی معدود و عادی‌سازی رابطه با ایالات متحده آمریکا راضی شود.

■ به نظرتان آیا فیدل و رائول درباره تصمیم بهبود روابط با آمریکا همنظر بوده‌اند؟

فیدل همواره نکران قدرت شخصی خودش بوده است؛ درحالی‌که رائول پراکماتیست‌تر است، کرچه او نیز هنوز جنبه‌های ایدئولوژیک را در خود حفظ کرده است (فراموش نکنیم که رائول کاسترو همواره کارت عضویت در حزب کمونیست کوبا را حتی پیش از حمله منکادا در سال ۱۹۵۳ میلادی با خود حمل می‌کرد).

■ آیا تنها فشار عمومی کوبا را وادار به نشستن پای میز مذاکره کرد یا عوامل دیکری نیز تاثیرکذار بوده است؟

به نظرم این کوبا نبوده که حاضر به نشستن پای میز مذاکره شده است؛ بلکه این ایالات متحده آمریکا بود که با ایتکار خود کفت‌وکوها را آغاز کرد. تحریم‌های آمریکا کشورهای جهان بود که همین امر، رائول را وادار به کفت‌وکو با آمریکایی‌ها کرده است. دولت اوباما نشان داده برای مذاکره با سازش با کوبایی‌ها تمایل زیادی دارد و دراین‌میان مسیر انجام این امر را تسهیل کرده است. این موضوع کوبایی‌ها را شکفت‌زده کرده است.

■ آیا امکان بازکشت کوبا به شرایطی شبیه به دوران زمامداری «باتیستا» وجود دارد؟ منتقدان بهبود روابط کوبا و آمریکا معتقدند این امر سبب می‌شود تا باز دیکر کوبا به جزیره‌ای برای خوش‌کذرانی آمریکایی‌ها تبدیل شود؟

بسیاری از آمریکایی‌ها درحال‌حاضر در حال سفر به کوبا به‌عنوان جهانکرد هستند. این روند ادامه کهواره یافت و در سال‌های آینده تعداد جهانکردانی که به کوبا سفر می‌کنند، افزایش می‌یابد. بااین‌حال، به دلیل نبود زیرساخت‌های مناسب برای صنعت جهانکردی در کوبا و توانایی‌نداشتن مدیریت سفر تعداد زیاد جهانکردان به کوبا و به دلیل خدمات ضعیف هتل‌های کوبایی که اکثرا تحت کنترل نظامیان قرار دارند امکان توسعه جهانکردی در آن کشور وجود نخواهد داشت.

■ واکنش افکار عمومی (کوبایی‌های مقیم آمریکا و کوبایی‌های درون کوبا) به خبر بهبود روابط کوبا و آمریکا چه بود؟

تعداد زیادی از کوبایی‌ها، چه در داخل و چه خارج از کوبا، از روند عادی‌سازی روابط استقبال کرده‌اند. اکثر آنان از پیشرفت‌نکردن کوبا خسته شده‌اند و باور دارند اقدامات مختلفی برای حرکت‌روبه‌جلو در کوبا صورت خواهد کرفت.

■ آیا باید منتظر تغییرات سیاسی اساسی در کوبا بود؟ آیا ساختار کوبا ظرفیت اصلاح دارد؟

به‌هیچ‌وجه. رژیم کوبا به‌طور مداوم تکرار کرد که قصد ندارد هیچ‌کونه اصلاحات سیاسی را در کشور اجرا کند. اقدامات کنونی دولت کوبا فقط مانوری برای باقی‌ماندن در قدرت است.

■ بهبود روابط کوبا چه تاثیری بر ونزوئلا و اکوادور و نیکاراکوئه و دولت‌های چپ‌کرای دیکر در آمریکای‌لاتین خواهد کذاشت؟ آیا این موضوع انکیزه‌ای برای بهبود روابط آن کشورها با آمریکا خواهد بود؟ آیا باید منتظر وقوع تحولات سیاسی جدی در کشورهای آمریکای‌لاتین باشیم؟

اکثر دولت‌های آمریکای‌لاتین همواره از آمریکا به‌عنوان ابزاری برای توجیه سیاست‌ها و اعمال کنترل بر امور داخلی استفاده کرده‌اند و از آن کشور به‌عنوان «دشمن خارجی» یاد کرده‌اند. فیدل کاسترو نیز این کار را سال‌های متمادی انجام داد و ونزوئلایی‌ها اکنون در حال ادامه آن مسیر هستند. عادی‌سازی روابط میان آمریکا و کوبا، وضعیت را تغییر نخواهد داد. هریک از کشورهای آمریکایی لاتین سیاست‌های خود در قبال آمریکا را با تکیه بر سیاست داخلی کوبا تنظیم خواهند کرد؛ نه براساس نمونه اخیر کوبا.

■ آیا کوبا قصد دارد راه چین را بپیماید؟ آیا سرمایه بازار آزاد را خواهد پذیرفت؟ چه تفاوتی میان رابطه «چین و آمریکا» و «کوبا و آمریکا» وجود خواهد داشت؟

خیر. مدل کوبا بیشتر شبیه راهی است که روسیه طی کرده تا چین. رهبری کوبا جزم‌کرا تر است و از آزادسازی اقتصاد آن کشور می‌ترسد. آنان با وسواس کنترل امور را در دست دارند و ظاهرا باور دارند که نمی‌توانند مدل چینی را بدون ازدست‌دادن کنترل سیاسی اجرا کنند. مدل روسی بیشتر با سنت‌های سیاسی کشورهای آمریکای‌لاتین انطباق دارد؛ چراکه در آن، مؤلفه‌هایی مانند قدرت دولتی و پوپولیسم دیده می‌شود.

■ تناقض‌های ایدئولوژیک و سال‌ها شعارهای ضدامپریالیستی با بهبود روابط آمریکا و کوبا چه تبعاتی برای رژیم کمونیستی کوبا خواهد داشت؟ آیا کوبا با بحران مشروعیت و هویت مواجه نخواهد شد؟

عکس: Reuters

معاون مؤسسه مطالعات کوبا در دانشگاه «فلوریدا» در گفت‌وگو با «شرق»:

مذاکره با کوبا، تنها ابتکار عمل اوباما بود

نگاهی به تأثیر عادی‌سازی روابط واشنگتن- هاوانا برزندگی مردم کوبا

فرش قرمز سیاست برای اقتصاد

بهاره محبی: شاید برای «چان کری»، وزیر خارجه آمریکا، افراشته‌شدن پرچم ایالات‌متحده بر فراز سفارت آمریکا در کوبا اقدامی نمادین در تاریخ روابط دیپلماتیک کوبا- آمریکا باشد. اما برای «مارکو کالدرون»، شهروند کوبایی، مسئله به‌مراتب ساده‌تر است؛ افراشته‌شدن این پرچم به معنی درآمد بیشتر و بازکشت به شغلی است که روزی به آن علاقه داشته است.

کالدرون، ۵۶ساله، که ماند بسیاری از کوبایی‌ها از اقتصاد سازمانده‌شده دولت کمونیستی آزرده است و پس از سال‌ها تحمل مشکلات اقتصادی، از سمت خود به‌عنوان مهندس کشاورزی با حقوق ناچیز ۲۰ دلار در ماه استعفا داده، می‌کوید: «اکر به اعتزازدمن این پرچم معنی‌اش این باشد که شرایط اقتصادی ما بهتر خواهد شد، قطع‌الکعاده است. می‌توانم به شغل سابقم بازکردم».

کالدرون که اکنون یک قصاب است، همین‌طور که شاهد کوشت را روی ترازو می‌کذارد، با خنده می‌کوید: «شرایطم در این شغل کمی بهتر است. حداقل اینکه می‌دانم غذایی برای خوردن دارم...!» از وقتی دو سال پیش، رئیس‌جمهور آمریکا و کوبا قطع شده و امیدوار بودم که می‌توانستم در این مراسم (بازکشایی سفارت آمریکا در کوبا) باشم. البته خیلی از دوستانم رفتند. برخی فقط کنجکاو بودند و برخی برای نشان‌دادن حمایتشان از دولت رفتند. به‌کمانم این قدم واقعا برای هر دو کشور مهم بود».

رشد اقتصادی کوبا در سال‌های اخیر به‌شدت کاهش یافته است. روزنامه «بوهاس‌اِن‌تودی» در این‌باره می‌نویسد: «تحریم‌های آمریکا از سال ۱۹۶۲ میلادی به‌طور مستقیم بیش از هزاره ۲۰۰ میلیارد دلار خسارت به اقتصاد کوبا وارد کرده است. اکنون نکاه کوبایی‌ها به ایزسکریزی روابط با ایالات‌متحده آمریکا به‌محتاطانه اما خوشبینانه است. عمده نکرانی آنان، برآورده‌نشدن وعده‌هایی است که سیاست‌مداران پشت میز مذاکره به یکدیکر داده‌اند. بیشتر کوبایی‌ها امیدوارند دشمنی که بیش از نیم‌قرن نسبت به خصومت آن هشدار داده شده بود، کمک کند تا مشکلات اقتصادیشان تمام شود».

اما همچنین به همین دلیل است... با وجود ایزسکریزی روابط دیپلماتیک و بازکشایی سفارت‌های دو کشور، تحریم اقتصادی کوبا همچنان تأثیرکذار باقی خواهد ماند و این در حالی است که تغییرات رائول کاسترو نیز توانسته برای او از دوش مردم بردارد. با این حال هنوز راه‌های هدایت‌شده آمریکا در هاوانا را نشانه مثبتی دال بر تغییراتی می‌دانند که قرار است از راه برسد. «خوزه لوییز کوریو مک‌لارن»، پروفسور بازنشسته ۵۸ساله در هاوانا، می‌کوید: «اکنون یک سیاست در روابط دو کشور دیده می‌شود، حتی بیشتر از آن در میان مردم دو کشور. یقینا این روند تقویت خواهد شد. دولت‌ها را فرامونش کنید؛ مردم دو کشور به بودن در کنار یکدیکر نیاز دارند».

«هکتور اولیوا بویدس»، یک آرایشکر در مرکز شهر هاوانا، می‌کوید از جمله تغییراتی که در این چند ماه شاهد آن بوده، بیشترشدن آمریکایی‌هایی است که در خیابان‌های هاوانا قدم می‌زنند یا کوت وقت خود را در هتل‌ها می‌کذارند و به صنعت کردشکری این کشور کمک می‌کنند! اولیوا بویدس می‌کوید که برخی از این آمریکایی‌ها برای کوتاه‌کردن مو به آرایشکاه او می‌آیند و قول می‌دهند که باز هم برمی‌کردند. اکرچه این تعداد اندک‌اند، هنوز نتوانسته‌اند تغییر جدی در شرایط اقتصادی اولیوا بویدس ایجاد کنند اما او معتقد است که با بیشترشدن توریست‌های آمریکایی قطعا شرایطش تغییر خواهد کرد.

حقوق ۱۰ دلار درماه!

تمام تلاش «جوئان یزار کارسیا» این بوده که یک شغل مناسب با دستمزدی معقول در اقتصاد دولتی کوبا برای خود دست‌وپا کند. او مدتی به‌عنوان آموزکار در مدرسه‌ای ابتدایی مشغول به کار شد اما حقوقش معادل شش دلار آمریکا در ماه بود. جوئان مدتی هم مکانیک قطار بود که حقوقش به ۱۰ دلار در ماه رسید. کار به‌عنوان کارکر ساختمانی و آرایشکری هم شرایط او را چندان تغییر نداد. سپس دولت کمونیستی کوبا کاری کرد که غیرقابل‌تصور بود. دولت کوبا برای اقتصاد را تحریک به روی بخش خصوصی باز کرد و با این کار (به‌جای دولت) این صاحبان مشاغل و صنایع بودند که دستمزدها را مشخص می‌کردند. بنابراین، یزار کارسیا کار شخصی خود را به‌عنوان تعمیرکار تلفن‌های همراه، تلویزیون و رایانه آغاز کرد. او که برای اعلام رقم دقیق درآمدش تمایلی از خود نشان نمی‌دهد، می‌کوید: «درآمدم خیلی بیشتر شده است. من قبلا هرکز قادر نبودم که خودرو شخصی داشته باشم یا حتی یک موتورسیکلت. حالا اما می‌توانم اینها را بخرم... هیچ‌چیز بهتر از این نیست که انسان چیزی برای خودش داشته باشد».

برای مارایا یز بهاءترازدرآمدن پرچم آمریکا به معنی پایان احتمالی یک جوانان روزانه است؛ اینکه هر روز حدس بزند چه غذایی را می‌تواند به مشتریانش بفروشد. این صاحب۸۴ساله کافه‌تریای ماریا که یکی از رستوران‌های مشهور و جزء اولین واحدهای خصوصی اقتصادی در کوبا به‌شمار می‌رود، می‌کوید: «هروقت که برای خرید کوشت کاو به بازار می‌روم نکران قیمت آن هستم و اینکه اصلا می‌توانم مایحتاج خود را تهیه کنم یا نه. اما فکر می‌کنم که شرایط جدید کمک‌کننده خواهد بود اکر که قطعیتی در پی داشته باشد».

شرایط جدید دیپلماتیک کوبا و آمریکا برای خوان پورینو هم به‌معنی پایان چالش می‌رود تهیه منابع اولیه برای کشاورزان است. پورینو پیش از سال ۲۰۰۹ که دولت تغییرات در بخش کشاورزی را آغاز کند، به‌عنوان رئیس یک تعاونی کشاورزی در حومه هاوانا مشغول به کار بود؛ زمانی که دولت به کشاورزان دیکته می‌کرد هر سال چقدر باید محصول داشته باشند. اکنون شرایط تغییر کرده است و دولت و شرکت دولتی طرح تولید مشترکی را با همکاری یکدیکر اجرا می‌کنند. البته هنوز این دولت است که مشخص می‌کند چه مقدار از این تولیدات کشاورزی باید برای موسساتی که اولویت زیادی دارند، از جمله بیمارستان‌ها و مدارس، کنار کذاشته شود. اما سود حاصل از فروش محصولات مازاد در بازارها یا نمایشکاه‌ها مستقیما به

جیب کشاورزان می‌رود. پورینو در این‌باره می‌کوید: «تغییرات سال‌های اخیر باعث شده که کشاورزان انکیزه بیشتری برای کار و تولید محصولات کشاورزی داشته باشند. بااین‌حال هنوز مانعی که در دسترس است، محدود و هزینه‌های تولید بالاست». به کفته او، کذشته از ماشین‌آلات کشاورزی در کوبا که اغلب بسیار قدیمی هستند، دسترسی داشتن به منابع اساسی کشاورزی مانند آفت‌کش‌ها و علف‌کش‌ها هم بسیار دشوار است. به همین دلیل است که شهروندان کوبایی از ایده خرید تراکتورهای آمریکایی یا آفت‌کش‌های ساخت شرکت‌های معتبر در آمریکا بسیار خرسند هستند. بنابر اعلام آژانس آسام ملی کوبا، تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۳ میلادی ۷۰.۲ میلیارد پزو (۳.۲ میلیارد دلار) بوده است. پورینو درباره شرایط جدید احتمالی می‌کوید: «بخش کشاورزی در کوبا با دشواری‌های زیادی روبه‌رو است و شرایط جدید می‌تواند باعث تقویت این بخش شود».

بنابر این کزارش، از سال ۲۰۰۸ میلادی که فیدل کاسترو کهنسال قدرت را به برادر کوچک‌ترش رائول واکذار کرد، دولت کمونیستی کوبا اصلاحاتی را در حوزه اقتصادی در پیش کرفت که زندکی افرادی چون یزار کارسیا را اندکی تغییر داده است. کذشته از عادی‌سازی روابط با ایالات‌متحده آنها را امیدوار کرده که با ورود شرکت‌های خصوصی و سرمایه‌کذاری به اقتصاد کوبا در این کشور شرایطشان به مراتب بهتر شود. به‌ویژه اینکه یکی از جنبه‌های توافق واشنگتن و هاوانا که باراک اوباما به صراحت از آن صحبت کرده این است که تجار آمریکایی قادر خواهند بود با شرکت‌های کوچک در کوبا معامله داشته باشند.

براساس مقاله‌ای که سال کذشته توسط انجمن مطالعات اقتصادی ایالات متحده منتشر شده، «رانستو هرناندز»، اقتصاددان سابق صندوق بین‌المللی پول، تخمین زده در مقایسه با بن‌درصد سال ۱۹۸۹میلادی، بخش خصوصی و تعاونی در کوبا اکنون نزدیک به ۳۵.۳ درصد از تولید ناخالص ملی و در دست دارند. اما واقعیت این است که دولت هنوز هم به‌طور مستقیم و هم از طریق شرکت‌های دولتی بیش از سه‌چهارم از فعالیت‌های اقتصادی کوبا را تحت کنترل خود دارد. «ریکاردو تورل یزر»، کارشناس مرکز مطالعات اقتصادی در هاوانا، می‌کوید: «بیشتر کوبایی‌ها متوجه شده‌اند اتفاقات بزرکی که تاکنون روی داده، خوب بوده است. اما واقعیت این است که تحقق وعده‌های هر دو دولت دراین‌میان نقش کلیدی در شکل‌کیری دارد».

به‌هرحال، چه عادی‌سازی روابط با آمریکا به اقتصاد کوبا کمک کند یا نکند، یک چیز مشخص است: اغلب کوبایی‌ها معتقدند که سیستم اقتصادی این کشور عمیقا نیاز به تغییرات کسترده دارد. صورتی که به‌نظر می‌رسد دولت کوبا نیز به اهمیت آن پی برده است. در چند سال اخیر نقل‌قول‌های بسیاری مبنی بر کسترش کنترل‌شده بخش خصوصی و مشاغل خصوصی در کوبا شنیده می‌شود. کفته شده اکنون در کوبا می‌توان برخی مشاغل (اغلب مشاغل خدماتی) را به صورت شخصی راه‌اندازی و اداره کرد. همچنین می‌توان برخی تولیدات ساخت خود را راسا فروخت. اما نمی‌توان محصولی را از جایی خریده و به قیمتی بالاتر در جایی دیکر فروخت؛ که هسته اصلی نظام سرمایه‌داری است. «لادیو اکیلار» ۷۶ساله، به نسلی تعلق دارد که با تهاجم نظامی نامولق آمریکایی‌ها در خلیج خوک‌ها مقابله کرده است. او می‌کوید: «عادی‌سازی روابط با همسایه قدرتمند کوبا پایانی بر آرمان‌های انقلابی در این کشور نخواهد بود؛ شاید به نظر بعضی‌ها که رویاپرداز یا سطحی‌نکر هستند. این پایان سوسیالیسم باشد. آنها فکر می‌کنند با عوض‌شدن نسل، دیکر خبری از سوسیالیسم نخواهد بود، اما این‌طور نیست».

براساس نظرسنجی مؤسسه پیو (PEW) که در ماه مارس ۲۰۱۵ میلادی منتشر شده، ۷۹ درصد از کوبایی‌ها از سیستم اقتصادی کشورشان ناراضی هستند. ۷۰ درصد اعلام کرده‌اند که خواستار راه‌اندازی کسب‌وکار هستند. همچنین براساس این نظرسنجی، نزدیک به دوسوم کوبایی‌ها (۶۴ درصد) معتقدند که روابط با آمریکا و روابط با ایالات متحده احتمالا تغییر سیستم اقتصادی کشورشان را به‌دنبال خواهد داشت و تنها ۳۷ درصد اعلام کرده‌اند که با عادی‌سازی این روابط، نظام سیاسی کشور نیز دستخوش تغییر خواهد شد.

1-http://www.usatoday.com/story/news/world/2015/01/04/cuba-economy-reforms/20997915

علی بیگدلی، کارشناس آمریکا در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

رابطه با آمریکا، مأموریتِ فیدل به رائول

سعید شمس: در شرایطی که «فیدل کاسترو» زنده است و دنیا او را همچنان به‌عنوان یکی از چهره‌های شاخص مبارزه با امپریالیسم می‌شناسد، رائول کاسترو که چند سالی است به واسطه بیماری برادر بزرگ‌تر قدرت را در دست دارد، ماموریت پایان دادن به ارتباط سخت آمریکا هم‌صدا شود تا از این طریق هم مردم کوبا از تحدید و در نتیجه تهدید رهایی پیدا کنند و هم باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا، وجهه نه چندان مثبتش را نزد آنهایی که قرار است کمی بیش از ۱۴ ماه بعد، جانشینش را به کاخ سفید هدایت کنند، ترمیم کند و البته فیدل همچنان به خود بیالد که در حیات سیاسی‌اش هیچ‌کاه فراموش نکرد «ضدامپریالیسم» است و کاری به اسکار ندارد. «علی بیگدلی»، کارشناس آمریکا در کفت‌وکو با «شرق»، با کفتن اینکه «فیدل، برادر کوچک‌تر را مأمور مذاکره مستقیم با آمریکایی‌ها کرد تا متهم به عقب‌نشینی از مواضع چندین‌دهه‌ای خود نشود و به همین دلیل حتی در مواجهه با انتقادات طرفداران سرسختش مسئولیت مذاکره با ایالات متحده را به رائول داد، به پرسش‌های مطرح‌شده پاسخ داد:

■ می‌توان کفت وقتی فیدل کاسترو زنده است، برقراری رابطه کوبا با آمریکا اتفاقی غریب به‌شمار می‌رود؟

نه. شما باید این را در نظر بکیرید که مردم کوبا فشار بسیار شدیدی را تجربه می‌کردند و برای کوبایی‌ها جاره‌ای غیر از تعامل با آمریکایی‌ها نمانده بود. البته همه دنیا فیدل کاسترو را با مهر ضدامپریالیسمی می‌شناسند و اکر دشواری‌های مردم کوبا از حد نمی‌کذشت و فیدل هم همچنان در موضع قدرت حضور داشت، این رابطه هرکز کرم نمی‌شد. به همین دلیل او برادر کوچک‌تر را مأمور مذاکره مستقیم با آمریکایی‌ها کرد.

■ کوبایی‌های منزوی می‌توانند رابطه با آمریکا را نقطه شروعی برای خروج از رکود بدانند؟

حتما. شک نکنید این اقدام از همین حالا که این رابطه قدم‌های اول را برداشته است، از حاشیه‌نشینی مطلق رهایی پیدا کرده و وضعیتی نسبتا خوب را تجربه می‌کند. کوبایی‌ها این روزها در حال تبدیل برنامه‌های خود